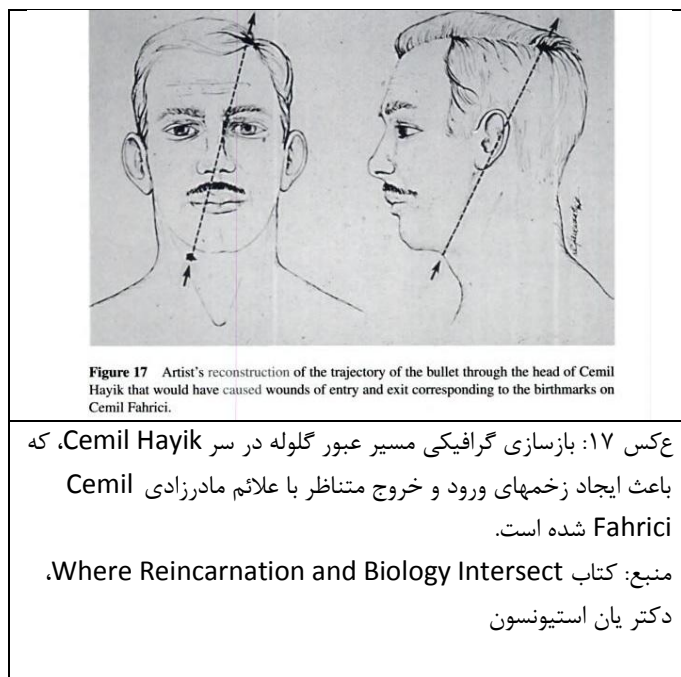




Cemil Fahrıcı در سال ۱۹۳۵ میلادی در شهر انطاکیه، استان هاتای، کشور ترکیه به دنیا آمد. شب قبل از تولد Cemil Fahrıcı، پدر وی، Mikail Fahrıcı، خواب یکی از بستگان دورشان بنام Cemil Hayık، که به تازگی کشته شده بود را دید که وارد خانه اش شد. با توجه به خواب دیده شده و شرایطی که در ادامه توصیف می شود، پدر و مادر Cemil Fahrıcı اعتقاد دارند که Cemil Hayık در قالب فرزند آنان دوباره متولد شده است. این اعتقاد زمانی که آنها متوجه نشان مادر زادی برجسته تحت چانه راست Cemil Fahrıcı (شکل ۱۵) شدند قوی تر شد. این منطقه زخم مانند بود که چند روز بعد از تولد خونریزی کرد بطوریکه پدر و مادرش او را به بیمارستان بردند و زخم بخیه شد.

Cemil Hayık یک راهزن بود، اما مشکلات او زمانی شروع شد که مرتکب قتل دو مرد شد که دو خواهر وی را مورد تجاوز قرار



داده بودند. اگر چه وی بخاطر ارتکاب این دو قتل دستگیر شد، اما توانست فرار کند، و حدود ۲ سال در منطقه کوهستانی کم ساکن بین شهرهای انطاکیه و سمانداگ توانست آزادانه زندگی کند. در این منطقه دور افتاده، راهزنی مسافران برای تهیه وسائل مورد نیازش کار سختی برای وی نبود. در اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی فرانسوی ها استان هاتای را اشغال کردند و آن در حالی بود که ترکیه برای بازپس گیری تلاش می نمود در این زمان، احتمالاً مردم محلی کمک های محدودی به پلیس فرانسه جهت دستگیری Cemil Hayık می نمودند و در نهایت، او و برادرش (که به او ملحق شده بودند)، مورد خیانت واقع شدند و پلیس فرانسه خانه ای که دو برادر در آن پناه گرفته بودند را محاصره کردند. پس از تیراندازی و تنگ کردن محاصره، در نهایت پلیس اقدام

به ریختن بنزین و آتش زدن خانه کرد. هنگامی که خانه در آتش می سوخت شلیک گلوله از خانه بسمت پلیس متوقف شد و سکوت در فضا حکم فرما شد اما سکوت با شنیدن دو شلیک گلوله از داخل خانه شکسته شد و دوباره سکوت حکم فرما شد. در این هنگام پلیس با احتیاط، به خانه نزدیک شد و با لگد درب را باز کرد. در داخل، آنها با جسد Cemil Hayik و برادر او مواجه شدند. به نظر می رسید که Cemil Hayik ابتدا برادر خود را به قتل رسانده بود و پس از آن، با قرار دادن لوله اسلحه زیر چانه خود و چکاندن ماشه خود را به قتل رسانده بود. گلوله از سمت راست چانه وارد سر او شده بود. اجساد برادران راهزن به انطاکیه منتقل و در میدان دادگاه، به عنوان نمودی از صلاحیت پلیس فرانسه و عاملی بازدارنده برای افراد دیگر که تمایل به راهزنی داشتند، نمایش داده شد.

Cemil Fahrıcı چند روز پس از درگذشت Cemil Hayik متولد شد. هنگامی که Cemil Fahrıcı قادر به صحبت از سن حدود ۲ سالگی شد، لحظه به لحظه زندگی و مرگ Cemil Hayik را شرح می داد. خاطرات تصویری زندگی قبلی را در خواب می دید و نیز کابوسهایی درباره مبارزه با پلیس فرانسه می دید. این ادامه داشت تا زمانی که بین ۶ و ۷ ساله بود. اگر چه پدر و مادر Cemil، با توجه به خواب خود و نشان مادرزادی، معتقد بودند که Cemil احتمالاً تناسخ در جسم تازه از Cemil Hayik است، اما از همان ابتداء نام وی را Cemil ننهاندند، بلکه نام او را Dahham نهادند، اما خود او قاطعانه هر نام دیگری غیر از Cemil را رد می کرد و دوست داشت با Cemil فراخوانده شود، و پدر و مادر وی در نهایت قانع شدند که نام او را به Cemil تغییر دهند.

به عنوان یک کودک Cemil نگرش خصمانه قابل ملاحظه ای نسبت به پلیس داشت و بطرف آنها و همچنین سربازان سنگ پرتاب می کرد او با یک چوب به عنوان تفنگ بازی می کرد، و او یک بار با برداشتن تفنگ پدر خود سعی داشت به برخی از سربازان شلیک کند Cemil. با اینکه حالت های شبه نظامی علیه پلیس داشت اما از بیماری ترس از خون رنج می برد. او روابط دوستانه ای

با خانواده Cemil Hayik برقرار کرد و برای آنها هدیه می برد و آنها نیز چنین می کردند

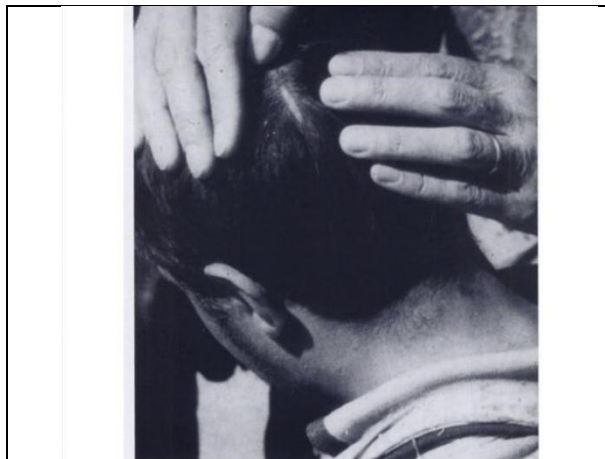


Figure 16 Birthmark on the scalp of Cemil Fahrıcı in 1970. It was a linear area of hairlessness. This mark corresponded to the wound of exit in Cemil Hayik. It was about 2 centimeters long and 2 millimeters wide.

عکس ۱۶: علامت مادر زادی در فرق سر Cemil Fahrıcı در ۱۹۷۰. که یک منطقه خط مانند بدون مو بود. این علامت نظیر زخم خروج در Cemil Hayik است. آن زخم حدود دو سانتی متر طول و دو میلیمتر عرض داشت.

منبع: کتاب Where Reincarnation and Biology

Intersect, دکتر یان استیونسون

پس از چند سال تحقیق در مورد Cemil Fahrıcı اعتقاد من براین بود که او تنها یک نشان تولد داشت. تا اینکه یکی از خواهران Cemil Hayik، در طی یک مصاحبه، ذکر نمود که گلوله ای که برادر وی را به قتل رسانده بود، از بالای سر او خارج شده بود، و بخشی از استخوان جمجمه را برداشته. همچنین یکی از ژاندارم های فرانسوی که در حادثه و صحنه ای که منتهی به مرگ Cemil Hayik شد حضور داشت نیز به شرح مشابه درمورد زخم، و خروج گلوله از سر با اشاره دست خود به بالای سر خود و اینکه چگونه بخشی از جمجمه Cemil Hayik برداشته شده و اینکه سمت بالای سر محل خروج گلوله بوده، پرداخت. وقتی من اینها را شنیدم به Cemil Fahrıcı رجوع کردم و از او پرسیدم که آیا او نشان مادر زادی دیگری دارد. او بدون تردید به بالای سر خود اشاره کرد، و من فوراً متوجه یک منطقه خطی بدون مو در سمت چپ بالای سر وی شدم (شکل ۱۶) طرح یک گرافیسیت از مسیر فرضی گلوله از داخل سر Cemil Hayik (شکل ۱۷)